



اگر انسان به طور مطلق مالک خود بود دیگر ظلم به خود معنا نداشت

آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق خود گفت: اگر قرآن حبل است چه اینکه حبل است، اگر عترت طاهرين حبل اند چه اینکه حبل اند، این یک طنابي نیست که در جايي گذاشته باشند...

آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق خود گفت: اگر قرآن حبل است چه اینکه حبل است، اگر عترت طاهرين حبل اند چه اینکه حبل اند، این یک طنابي نیست که در جايي گذاشته باشند، اعتصام به طنابي که در جايي افتاده باشد مشکلي را حل نمي کند این طناب به یک جاي بلندي بسته است به ما گفتند بگریید و بالا بیایید.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق هفتگی خود مطالبی فرموده که متن آن در پی می آید:

آیت الله جوادی در این جلسه با اشاره به فرمایش حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه اظهار داشت: نکته‌ای که از بیانات نورانی امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه استفاده می‌شود آن است که جان و روح ما به جاي دیگر وابسته است. در آن بیانات نورانی که حضرت خطاب به کمال عالمان الهی و ربانی را معرفی می‌کند می‌فرماید عالمان الهی کسانی‌اند که ابدانشان به این علوم و معلومات عادی وابسته است اما «أرواحها معلقة بعز علي»!

ایشان فرمایش دیگری از علی (ع) را مورد اشاره قرار داد و بیان داشت: حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه وقتی به کمال می‌فرماید دل‌ها ظروف علوم است، می‌فرماید «مردان الهی از این ظرفیت حداکثر بهره را بردند، بدن اینها در عالم طبیعت مشغول است اما ارواح اینها معلق است بعز قدسک، به عرش اعلاي الهی. معلوم می‌شود این جان ما وطن اصلی خود را حفظ کرده است.

آیت الله جوادی با بیان این مطلب که "انسان مهاجر، کادح الی رب است"، بیان داشت: انسان در نهایت به وطن اصلی‌اش برمی‌گردد، اگر در آیه *إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* تعبیر به رجوع است برای اینکه ما از آن‌جا آمدیم یعنی اگر کلّ مجموعه عالم، فیض خداست و خدا آنها را خلق و عطا کرده؛ «فامنی أو أُمسک»، اما روح را به ما عطا نکرده روح را طرزی به ما داده که یک طرفش به دست اوست فرمود: *و تَقَحَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي نَه «روحا»* اینکه فرمود روح را به او دادم این یاء رُوحی یک اضافه اشراقیه است که ما را به آن مرتبط می‌کند.

ایشان خاطر نشان کرد: اگر قرآن حبل است چه اینکه حبل است، اگر عترت طاهرين حبل اند چه اینکه حبل اند، این یک طنابي نیست که در جايي گذاشته باشند، اعتصام به طنابي که در جايي افتاده باشد مشکلي را حل نمي کند این طناب به یک جاي بلندي بسته است به ما گفتند بگریید و بالا بیایید یا بگریید تا نیفتید *وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا*.

آیت الله جوادی ادامه داد: کلمات طیب و علوم عالی به طرف او صعود دارند، اینها به طرف عزیز صعود می‌کنند آن وقت می‌شوند عزیز. انسان عزیز و انسان نفوذناپذیر در هیچ صحنه‌ای وا نمی‌ماند. بنابراین آنچه در بیانات نورانی حضرت امیر (ع) در وصف عالمان دین در نهج البلاغه آمده است که ارواح آنان به جاي بلندي وابسته است، شامل همه علما چه حوزویان چه دانشگاهیان، چه کسانی که در خدمت قرآن کریم‌اند و در خدمت ستّ معصومین و اهل بیت (ع) هستند می‌باشد.

ایشان روح انسانی را دارای قداست دانست و ادامه داد: جای این روح بلند، جاي طهارت و قداست است، آن‌جا آلودگی نیست، هر چه آلودگی هست در این نشئه طبیعت است، ما می‌توانیم این را حفظ کنیم و اگر ان‌شاءالله حفظ کردیم وقتی از این صحنه دامن‌چین رفتیم راحت خواهیم بود.

جوادی آملی همگان را به پرهیز از ظلم به خود و دیگران توصیه فرمود و گفت: بهترین راه این است که نه بیراهه برویم نه راه کسی را ببندیم، نه به خودمان ظلم کنیم نه به دیگران. یای موجود در *" تَقَحَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي "* معلوم می‌کند که درون ما نزد ما امانت است و برای ما نیست که حق داشته باشیم به او ظلم کنیم، اگر انسان به طور مطلق مالک خود بود دیگر ظلم معنا نداشت.

ایشان در تشریح چرایی حرمت انتحار و خودکشی فرمود: انتحار و خودکشی حرام است، برای اینکه ما مالک هویتیمان نیستیم، این را به عنوان امانت به ما دادند، اگر به عنوان امانت به ما دادند هرچند نسبت به دیگران اظهار مالکیت می‌کنیم اما ما امین جان و هویت خود هستیم پس اگر گناه کردیم و به خودمان ستم کردیم؛ یعنی به آن هویتی که به عنوان امانت به ما دادند ستم کرده ایم.